

# تاریخ و تاریخ‌نگاری

## اصناف و پیشه‌وران در عصر صفویه

سید کاظم روحانی

### نتیجه

الف: علل پیروزی و انحطاط صفویان

و نقش آنها در توسعه کار اصناف

از آنجا که اعتلاء و انحطاط صفویان در گسترش و یا عدم گسترش اصناف و پیشه‌وری تأثیر بسزا داشته‌اند لذا در اینجا به علل پیروزی و سقوط آنها، به صورت ایجاز و اختصار سخن گفته خواهد شد:

### ۱- عوامل پیروزی صفویان

ثبات سیاسی حاکم بر بعضی از دوره‌های تاریخ صفویان در توسعه شهرنشینی و در نتیجه در گسترش کار اصناف و پیشه‌وران تأثیر داشته است. و نمونه آن رواج کار تجارت و صنعتگری در زمان شاه عباس اول است که در گذشته بدان اشاره شد.<sup>(۱)</sup>

استفاده سیاسی از تصوف و تشیع بعنوان دو عامل محرک و مورد علاقه مردم ایران، سبب شد تا شاه اسماعیل با توسل

تحریرات مربوط به اصناف در عصر صفویه (با تکیه بر تشکیلات اقتصادی و اجتماعی) در دو مقاله گذشته، یعنی شماره‌های ۱۱ و ۱۲ این مجله وزین، به اتمام آمد. آنچه اکنون تقدیم می‌گردد تحلیلی است در زمینه «نقش حکومت صفویه در روند کار اصناف و پیشه‌وران».

ادامه همان موضوع، یعنی «تحقیق در اصناف کشورهای اسلامی» به باری خدا در شماره‌های بعدی این مجله مندرج خواهد شد. و از آنجا که امپراطوری عثمانی تا آغاز قرن بیستم میلادی بر بسیاری از کشورهای عربی-اسلامی، حاکمیت داشته و محور جریانات سیاسی و فرهنگی بوده است، لذا پس از این ابتدا از تشکیلات اصناف در عصر عثمانی (ترکیه فعلی) سخن خواهد رفت. و برای اینکه خوانندگان محترم آگاهی عمیقتری از این مقالات داشته باشند، مناسب است به مقاله «جریانات فکری و فرهنگی در دنیای اسلام» (امپراطوری عثمانی) از همین قلم، مندرج در شماره ۸ کیهان اندیشه مراجعه فرمایند.

- ۱- جامعه بسته نه باز و جدا ماندن از قلمرو امپراطوری عثمانی که داعیه اسلامیت داشت.
  - ۲- وحدت مذهبی در ظل رواج تشیع وجدائی فرهنگی ایران از دیگر بلاد.
  - ۳- شهر نشینی و رواج و پیشرفت صنعت و پیشموری.
  - ۴- گسترش تفکر واندیشه مذهبی برجامعه ایرانی.
  - ۵- انحطاط ادبی و فکری و عدم توسعه علوم تجربی و فلسفی.
  - ۶- رواج مدارس دینی و رونق کار حوزه‌های علمیه و تربیت مجتهدان و علمای دین.
  - ۷- ارتباط یا کشورهای اروپائی و آمدن سفیران از آن دیار به ایران.
  - ۸- بی‌خبری ایران از پیشرفت علوم در اروپا.
- ۲- عوامل انحطاط صفویان
- در علل سقوط و انحطاط صفویان چند نکته را باید در نظر گرفت.
- ۱- تضاد شدید میان طبقات نظامی حاکم بر ایران با مستوفیان صاحب نفوذ و رقابت، جهت بدست گرفتن قدرت و مقام و مکت.
  - ۲- اختلال توازن میان ممالک و اراضی خاصه و گسترش بی‌رویه آن اراضی.
  - ۳- دخالت غیر مسئولانه بسیاری از افراد سرای شاهی در امور مملکت بالاخص بانوان حرم.
  - ۴- مبارزه در رقابت سران قزلباش جهت اخذ مقامات سیاسی که ناشی از اعتراض و جاه‌طلبی بود.
  - ۵- نارضایتی مردم از اخذ مالیات‌های بی‌موقع.
  - ۶- گسترش اسراف و گشاد دستی در خرج هزینه و خزینه مملکت.
  - ۷- اجحاف و ستم بر برادران اهل تسنن در برخی از نواحی و مجبور کردن آنها به پذیرش تشیع.
  - ۸- فساد دستگاه اداری و سرای پادشاهی و قدرت مداری آنها که خود اصلی‌ترین عامل انحطاط صفویان بود.
  - ۹- بی‌خبری سران مملکت از تحولات ممالک اروپائی و

به آنان حاکمیت سیاسی قزلباشان را بر ایران مستحکم سازد. جریانات سیاسی با صبغه تشیع، از زمان نهضت انقلابی سرداران در ایران ادامه داشت. و از سویی، مبارزه سادات مشعشع در خوزستان و ادامه نهضت حروفیه در خراسان و آسیای صغیر و گرگان و حرکتهای سیاسی-دینی در گیلان، زمینه را جهت قیام صفویان آماده ساخت. و صفویان از مذهب بعنوان یک عامل سیاسی جهت پیشبرد مقاصد خویش استفاده بردند.

شکی نیست که قزلباشان، تمایلات شیعی گرایانه بدون تمسک و یا تعبد به اعمال عبادی داشتند و این اعتقاد رنگی از تصوف هم داشت که حب علی (ع) سرمنشأ آن بود. یاران شاه اسماعیل، بالاخص قزلباشان، در اعتقادات مذهبی منسوب به تشیع راه مبارغه و اغراق را پیمودند، به گونه‌ای که برخی از آنان، شاه اسماعیل را خدا دانسته و مقام الوهیت برای وی قائل بودند، البته این بحثی است که در این مقصد، جای طرح آن نیست.

اتحاد و وحدت سیاسی- مذهبی از عوامل وارگان اصلی پیروزی صفویان بود. و آنان از این دو عامل جهت نیل به اهداف و مقاصد خویش بهره کافی جستند.

در اینجا تذکار نکته‌های ضروری است که پیروزی صفویان پیروزی تشیع محسوب می‌گشت، اما همه بحث در این است که پیروزی کدام تشیع، تشیع صفوی یا تشیع جعفری.

اعتقادات قزلباشان، رنگ صوفیانه داشت و از طرفی آنان در باب مقام ولایت امام علی (ع) مبارغه و غلو می‌نمودند و به اعمال عبادی کمتر رغبت نشان می‌دادند. این جریان تا زمان حکومت طهماسب اول ادامه داشت، و در زمان وی به سبب مهاجرت علمای بزرگ شعیه به ایران، اعتقادات قزلباشان تعدیل شد.

وحدت جغرافیائی را هم از دیگر عوامل پیروزی صفویان می‌توان شمرد. و ایران با پیروزی صفویان، سرزمین تشیع لقب گرفت و از دنیای اسلامی آن روز که تحت حاکمیت امپراطوری عثمانی بود متفصل گشت و همین امر در ساخت و بسافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران تأثیر بسزا نهاد.

برخی از ویژگیهای اصلی دوره صفویان که بر وضع اصناف بی‌تأثیر نبوده به شرح ذیل است:

دولت خواستار می‌شدند، زیرا امنیت شهرها در گسترش معاملات تجاری و انتقال و عبور کاروانها تأثیر بسزا داشت.

تردید نیست، وحدت سیاسی و امنیت نسبی شهرها در برخی از ادوار حکومت صفویان، بر پیشرفت کار اصناف و پیشموران تأثیر بسزا نهاده بود و تا آنجا که دوره شاه عباس اول را دوره اعتلای پیشموری و صنعتگری می‌دانستند. حتی به استناد برخی از روایات، توسط وی هزار کاروانسرا در ایران تأسیس شد که به کاروانسراهای عباسی شهرت یافت و در آن زمان این کاروانسراها، از مراکز اصلی مبادلات تجاری و اقتصادی بشمار می‌آمد.

#### ج: تشکیلات صنفی اصناف و نقش آنها

ابتداء باید پیرامون برخی از اصطلاحات اقتصادی آن زمان توضیح داد، هر چند در گذشته<sup>(۲)</sup> در این باره به ایجاز و اختصار سخن گفته شده است.

در آن زمان چند اصطلاح رایج و متداول بود که باید با دقت و تعمق بدانها نگریست:

۱- بازاری: به آنهایی که در بازار به فعالیت مشغول بودند می‌گفتند، بالاخص کسانی که در سطح مملکت تجارت می‌نمودند. بازاریان از نظر اقتصادی و حتی اجتماعی دارای نفوذ فوق‌العاده بوده و با دولت‌های وقت رابطه بسیار نزدیک داشته و نیز از حاکمیت وقت جهت پیشبرد اهداف خویش استفاده می‌نمودند.

۲- اهل حرف و محترفه: یعنی کسانی که به شغلی اشتغال داشتند و اصطلاحاً به آنها اصناف و پیشموران می‌گفتند.

۳- صنعتگران: کسانی که در صنایع دستی مهارت داشتند و اینها خود به دو گروه تقسیم می‌شدند:

الف: کسانی که مشاغلی مانند خیاطی، بزازی، آهنگری و مسگری داشتند.

ب: افرادی که کارشان همراه با هنر و خلاقیت و ذوق و ظرافت بود، مانند زربفت‌بافی، قالی‌بافی، میناکاری، طلاکاری و غیره.

۴- گروهی که به نام پیشمور نامیده می‌شدند، اما اهل

عدم سازش با امپراطوری عظیم عثمانی به بهانه اختلاف عقیده و مذهب.

۱۰- سیستم فئودالی.

۱۱- رکود تجارت بر اثر جنگ‌های پی‌درپی.

۱۲- عدم امنیت سیاسی و مالی در برخی از دوره‌های صفویه که ناشی از رواج سیستم فئودالی بود.

۱۳- تعصبات خشک مذهبی برخی از حکام که مبنای عقلی نداشت.

۱۴- عدم توجه و رسیدگی به وضع روستائیان، دهقانان و کشاورزان.

۱۵- فشار به اقلیتهای مذهبی و فرار آنها.

۱۶- اجحاف به بعضی از دانشمندان و علاقمندان به تصوف و مهاجرت آنها.

#### ب: اهمیت اصناف

اصناف در دوره صفویه از اهمیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درخور توجهی برخوردار بوده‌اند.

از نظر اقتصادی: از آن جهت که در آن زمان اصناف و پیشموران و صنعتگران از ارکان اصلی تولید و تجارت و اقتصاد بشمار می‌آمدند و در نتیجه در گسترش و رواج اقتصاد نقش بسزا داشتند. و از آنجا که بیشترین احتیاجات مورد نظر توسط اصناف و پیشموران فراهم می‌آمد، اهمیت و مقام اصناف و پیشموران بخوبی آشکار است.

از نظر اجتماعی و دینی: اصناف رابطه بسیار نزدیک با اهل مدرسه از سویی و با دولتمردان از سوی دیگر داشتند. همچنین اصناف و پیشموران گردانندگان اصلی هیأتها و مراسم مذهبی بودند. و سران اصناف از این جهت نقش حساسی را در اداره شهرها ایفا می‌نمودند.

از نظر سیاسی: هم مبارزات اصناف علیه ظلمها و ستمها قبل از قلم آمد<sup>(۲)</sup>.

اصناف به انگیزه‌رهایی از بحرانها و بن‌بستهای اقتصادی و حتی سیاسی، دستور انسدادهای دکانها را می‌دادند که این امر نشانه‌ای از قدرت اصناف و پیشموران تلقی می‌گشت. گذشته از آن، اصناف، امنیت راهها و شهرها را از

هنر و صنعت نبودند، مانند طبّاخان، آشپزان، فروشندگان اغذیه و لبنیات.

البته هدف این صفحات، جستجو در احوال و اوضاع صنعتگران و پیشه‌وران بوده که به معنای اعم، اصناف تلقی می‌شدند. بنابراین بررسی احوال تجار و سوداگران و بازرگانان در اینجا مطرح نیست.

نکته‌ای که طرح آن ضروری است اینک، تشکیلات اصناف چگونه تشکیلاتی بوده و اصولاً انگیزه پیدایش آن چه بود و چه هدفی را دنبال می‌نمود؟ آیا هدف اصناف از تشکل و سازماندهی، حرکت تهاجم‌آمیز در برابر قدرت دولت بود؟ آیا اصناف جهت تحکیم منافع مادی دست به تشکیلات زده بودند؟

هنوز بدرستی انگیزه و هدف اصلی تشکیلات اصناف معلوم نیست، زیرا منابع و مسأخذ آن دوره در این باره کوچکترین اطلاعی نمی‌دهد. اما احتمالاً عواملی چند در کیفیت تشکل اصناف دست داشته که عبارت بودند از:

۱- اتحاد و همبستگی درون گروهی در برابر حوادث آینده و برنامه‌های دولت. با آنکه برخی از اداره کنندگان اصناف خود از سوی دولت برگزیده می‌شدند، اما تأثیر چندانی بر کیفیت اتحاد و همبستگی اصناف نداشته‌اند. این اتحاد درون صنفی صرفاً جهت آینده‌نگری در برابر حوادث آتی بوده است.

۲- گسترش تشکیلات مذهبی به نام هیأتها و دسته‌های عزاداری و فعالیت در آنها جهت پیشبرد مقاصد سیاسی و اجتماعی و نوعی اعلام موجودیت.

۳- گذشته از چند قیام و نهضت اصناف و پیشه‌وران علیه صفویان، در مجموع اصناف رابطه بسیار نزدیک با دولت داشته و حکومت هم با استفاده از برخی از علمای مذهبی بالواسطه در کنترل و اداره اصناف می‌کوشید. رابطه اصناف با دولت، رابطه دوستی و حسن نیت متقابل نبوده و هرگونه کدورت و تقار و یا اختلافات مسلکی و صنفی از سوی اداره کنندگان اصناف که غیر مستقیم نمایندگان دولت هم بودند بر طرف می‌گشت.

۴- تشکل اصناف انگیزه اقتصادی نیز داشت، زیرا اصناف و پیشه‌وران جهت اعتلای کار همکاران، از هیچ تلاشی

خودداری نمی‌نمودند. و احياناً در برابر تجاوز و اجحاف سوداگران بزرگ به مقابله برمی‌خواستند. کار اصناف و صنعتگران مبتنی بر ظرافت، صرافت و دقت نظر بوده و سعی بر این داشتند که مصنوعات و محصولات آنها دقیق و ظریف باشد. از آنجا که ایمان نقش اساسی را در جامعه مذهبی دارد، از این رو سعی اصناف متدین بر این بود که از تدلیس و یا تقلب اجتناب ورزند.

یکی دیگر از اهداف اصناف، مقابله با بحرانهای اقتصادی و سیاسی بود.

#### انحطاط کار اصناف

بدون شک، انحطاط و تنزل اقتصادی کشور در انحطاط کار اصناف دخالت داشته است. و قرائتی در دست هست که این انحطاط بعد از زمان شاه عباس اول که اوج کار اصناف و پیشه‌وران بوده شروع گردیده است.

بطور کلی، عواملی چند در انحطاط کار اصناف دخالت داشته است که از جمله عبارتند از:

۱- نرس کیفیت محصول و حجم تولید.  
۲- تضاد حاکمیت فئودالی با پیشرفت پیشه‌وری و زندگی شهری.  
۳- نامرغوبی اجناس، بالاخص پارچه‌های ابریشمی.  
۴- قلت صادرات کشور، بویژه محصولات ابریشمی.

وقالی.  
۵- سقوط ارزش پول و خروج بی‌رویه طلا و نقره از ایران.

۶- تنزل مبادله کالاها.  
۷- رواج رباخواری و ارتشاء در ایران که عامل اصلی آن تجار هندی بودند.

همه عوامل فوق، در انحطاط و سقوط اصناف و صنعتگران دست داشته است.

تاورینه دربارهٔ کمبود محصول پارچه‌های زری و مخمل و تافتة ایرانی می‌نویسد:

«سابق بر این، هر سال مقدار گزافی پارچه زری و مخمل و تافتة ایرانی به اروپا حمل می‌شد و مخصوصاً قسمت عمدهٔ مخمل ایران را به مسکو و لهستان می‌بردند، اما امروز همه

انواع آن را در اروپا به همان خوبی و خیلی ارزاتر به عمل می‌آورند» (۴).

در اواخر دوره صفویه، صنایع دستی، بسالاحص ابریشم‌بافی و قالی‌بافی، رونق و اهمیت سابق را نداشت. و باز تاورینه می‌نویسد:

«قالی وزری و پارچه‌های ابریشمی ایران که سابقاً مایه حیرت ما می‌شد نسبت به ترقیات صنایع ما تنزل کرده است. منسوجات خود را که به ایران می‌بریم شاه و بزرگان به سرعت به خریدن آن قیام می‌کنند و بر پارچه‌های خود ترجیح می‌دهند.» (۵)

اغتاشات و بحران سیاسی، جنگها و عدم تأمین امنیت جاده‌ها و کاروانسراها و نیز ورود پارچه‌های زربفت فرنگی و عدم دقت اصناف و صنعتگران در کارها و محصولات، در تنزل کار اصناف و صنعتگران تأثیر داشته است.

بزرگترین مشوق اصناف و صنعتگران مردم بودند که در اثر انحطاط اقتصادی، قدرت خریدشان رو به ضعف نهاده و در نتیجه، محصولات نساجی و غیره، مرغوبیت و ظرافت خود را از دست دادند.

آثاری که از صنعتگران و هنرمندان آن دوره بر جای مانده نشان دهنده میزان ذوق آنها در خلق آثار و محصولات است که اکنون بسیاری از آن آثار، نه فقط در موزه‌های ایران بلکه زینت‌بخش موزه‌های خارج هم هست.

در اینجا باید مقایسه کوتاه بین اصناف امپراطوری عثمانی و صفوی به میان آید. تشکیلات اصناف در امپراطوری عثمانی، بالاخص در استانبول فوق‌العاده منظم‌تر از اصناف عصر صفویان بوده و این انسجام و انتظام، هم از جهت کیفیت تشکیلات اصناف و هم از جهت نحوه اداره آن بود. در آن زمان، در میان بلاد و ممالک اسلامی، استانبول از منظم‌ترین تشکیلات اصناف برخوردار بود.

کنترل نامحدود دولت بر اصناف عثمانی از نظر مرغوبیت محصولات و صنایع، از ویژگی‌های تشکیلات اصناف در امپراطوری عثمانی است که چنین کنترل و نظارتی از طرف دولت صفوی بر اصناف مترتب نبوده است.

در دوره صفویه، علما و بزرگان دینی بر اصناف و پیشه‌وران و بازاریان نفوذ فوق‌العاده داشته که در امپراطوری

عثمانی، علمای دینی از چنین نفوذی برخوردار نبوده‌اند.

### جمع‌بندی و خلاصه بحث

آنچه که نهایتاً می‌توان پیرامون اصناف دوره صفویه استنباط نمود، به شرح ذیل است:

۱- تشکیلات اصناف در عصر صفویه، ادامه تشکیلات قنوت و جوانمردان (۶) بوده و از نظر بافت و ساخت اجتماعی و اقتصادی دنباله همان تشکیلات اصناف دوره تیموری محسوب می‌شود.

۲- روح مذهبی حاکم بر اصناف و پیشه‌وران و صنعت‌گران، از ویژگی‌های تشکیلات اصناف دوره صفوی است.

۳- حاکمیت صفویه سبب شد که نهضت‌ها و حرکت‌های انقلابی اصناف و پیشه‌وران فروکش نماید. و به جز حرکت و نهضت پسخانیان حرکت انقلابی دیگری که اصناف مستقیماً در آن مشارکت داشته باشند مشاهده نشده است.

۴- رابطه اصناف و دولت جز در مواردی محدود، بسیار حسنه بوده، و اصناف از قدرت دولت جهت پیشبرد مقاصد اجتماعی و اقتصادی خویش بهره‌مند می‌شده‌اند.

۵- وحدت سیاسی و امنیت شهرها و بلاد در اعتلای کار اصناف و پیشه‌وران تأثیر داشته، و نفوذ برخی از حکمرانان صفوی هم در تشویق و گسترش و رونق کار اصناف بی‌تأثیر نبوده است.

۶- دوره شاه‌عباس اول، دوره اعتلای کار پیشه‌وران و صنعتگران بوده و پس از وی، صنعتگری و صنایع دستی، راه انحطاط و سقوط را در پیش گرفته است.

۷- رقابت برخی از منسوجات و مصنوعات فرنگی در شکست کار صنعتگران ایران بی‌تأثیر نبوده است.

۸- حاکمیت صفوی، همواره در تضاد میان نظام فئودالی با حاکمیت نظامی قزلباشان از سویی و تضاد با رونق شهری‌گرایی از سوی دیگر بوده است، و برخی از قیام‌ها و نهضت‌های روستائیان را در اثر زور و ستم حکام و ثروتمندان ملاکان شهری دانسته‌اند.

\* درباره تشکیلات اصناف در عصر عثمانی، نگارنده تحقیقاتی دارد که در شماره‌های بعدی مجله کیهان‌اندیشه مندرج خواهد شد.

۱۲- زدوده شدن گرایشات و تمایلات مستوفانه از مجامع انصاف و رواج اندیشه و تفکر مذهبی در میان آنها.  
 ۱۳- تأثیر ایمان مذهبی و علاقه به اهل بیت (ع) در کاره‌رمنندان و صنعتگران و نشان دادن علاقه مذهبی در صنایع دستی و حتی منسوجات وقالی‌ها و غیره.

۹- در دوره صفویه، نوعی وحدت فرهنگی و فکری بر جامعه اصناف حاکم بوده است. اگرچه برخی از نویسندگان از منازعه حیدری- نعمتی آن دوران سخن می‌دارند، اما این جریان، بر خلاف نهضت حروفیه و یا پسخانیان از جنبه‌های افراطی بدور بوده و نوعی منازعه و رقابت محلی و منطقه‌ای تلقی شده است.

۱۰- مجابهه و مقابله با دولت‌های وقت به جهات برخی از اعتقادات اسلامی، خروج تلقی گشته و در حقیقت اصناف و پیشوران بدون مشورت و صوابدید علما و رهبران مذهبی، دست به عصیان و قیام نمی‌زدند و کمتر حرکتی بسان حرکت خودجوش پیشه وران تبریز در دوره صفویه مشاهده گردیده است.

### یادداشتها

- ۱- رک: کیهان اندیشه، شماره ۱۲، اصناف و پیشوران در تاریخ ایران، سید کاظم روحانی، ص ۷۱.  
 ۲- رک: مآخذ سابق، ص ۷۵.  
 ۳- رک: مآخذ سابق  
 ۴- تاورینه، سفرنامه، ترجمه ابو تراب نوری، با تجدید نظر حمید شیرانی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۳۶، ص ۶۰۱.  
 ۵- مآخذ سابق.  
 ۶- رک: کیهان اندیشه، شماره ۱۱، اصناف و پیشوران در تاریخ ایران، سید کاظم روحانی، ص ۷۷.

۱۱- در مقابل اصناف و صنعتگران آزاد، صنعتگران دولتی هم موجود بود، که در کار گاه‌های وابسته به دولت به فعالیت اشتغال داشتند. این اصناف سرای شاهی از برخی امتیازات اجتماعی و اقتصادی برخوردار بوده‌اند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

